راهنمای تقریرات حلقه ثالثه :

این تقریرات از روی صوت حلقه ثالثه استاد محمدحسین ملک زاده تقریر شده­اند؛ در متن تقریر پیش رو شماره­هایی می­بینید که متشکل از شماره نکته­ی تقریر شده و شماره­ صفحه­ی مد نظر است ( مثلا 5/150 تقریر 5 در صفحه 150 ) این شماره را از فایل جانبی در پوشه اصلی همین تقریرات بنام " متن عربی حلقه ثالثه برای تطبیق متن تقریرات با متن اصلی " میتوانید ببنید تا متوجه بشوید که هر تقریر ذیل چه متنی گفته شده است. در ضمن در خود تقریرات، متن عربی حلقه ثالثه ، که تقریر ذیل آن انجام شده برای استفاده سریعتر آورده شده است. خوشحال میشویم هرگونه اصلاح متنی که انجام دادید یا نظرات خود را برای ما بفرستید. جهت ارتباط با ما : 09363211730 ، پیامرسان­های ایتا و بله؛

\*- صوت 137 اقتضاء الحرمة للبطلان

اقتضاء الحرمة للبطلان العبادة :

\*- 2/302 فنتیجه الملاک الأول لا تختصّ بالعباده: نتیجه ملاک اول : شامل توصلیات هم میشود. اون میگوید امری نیست پس امر با همه اطلاقاتش اینجا نیست امر اعم از توصلی و تعبدی؛

\*- 6/302 بل تشمل حاله الجهل أیضاً: فرض کنید یک نماز 5 رکعتی 10 صبح امر ندارد. شما چه عالم باشید و چه جاهل باشید فرق ندارد این چون مامور به نیست.

\*- 7/302 بل تشمل الغیریّه أیضاً: مثال حرمت غیری : صلاتی که نخواندن آن مقدمه ازاله مسجد باشد. نهی از صلاة با وجود ازاله در مسجد آمده. وگرنه صلاة به خودی خود منهی عنها نیست. پس صلاة در حالتی منهی عنها است که چون این ترک صلاة مقدمه ازاله کردن است.

پس از ملاک اول اگر برویم یک شمولی داریم که دستمان باز است. ولی در ملاک دوم این چنین شمول ندارد.

\*- 8/302 ونتیجه الملاک الثانی تختصّ بالعباده : مخصوص تعبدیات است ولی در توصل های مطرح ینست چرا در تصولیات مطرح نیست؟ زیرا مثلا آب کشیدن لباس، در آن تقرب دخالتی ندارد.

\*- 9/302 لأنّ مَن یجهل کونها مبغوضهً یمکنه التقرّب: چرا اختصاص به عالم است زیرا وقتی شما جاهل باشدی این عمل مورد بغض است ، باز میتوانید قصد قربت کنید زیرا فکر میکنید مورد قربت به سمت مولی است.

خلاص کلام تفاوت بین ملاک اول و ملاک دوم این است که ملاک دوم فقط شامل عبادات است و در تقرب شامل عالم میشود.

\*- 1/303 ونتیجه الملاک الثالث تختصّ بالعباده : چون در ملاک ثالث قصد قربت ملاک است.

\*- 2/303 وبفرض تنجّز الحرمه: در صورتی تنجز حرمت است که ما به آن علم پیدا کنیم.

\*- 3/303 وأیضاً تختصّ بالنهی النفسی: چرا شامل نهی غیری نمیشود. زیرا در جای خود گفتیم زیرا نهی غیری ، نه به خودی خود است بلکه از آن جهت که شمولی است در برابر نهی نفسی . مثلا این میخواهد مقدمه را خراب کند و نهایتا ذی المقدمه را خراب میکند. لذا عقل حکم نمیکند زشته است وضو نمیگیری بلکه عقل میکند زشت است نماز نخوانی. یعنی عقل زشتی وضو نگرفتن را درک نمیکند.

\*- 4/303 ثمّ إذا افترضنا أنّ حرمه العباده تقتضی بطلانها فإن تعلّقت بالعباده: یک وقت هست که حرمت تعلق میگیرد به کل عبادت و کل عبادت را تحت پوشش قرار میدهد. مثلا میگوید الصلاة فی دار المغصوبه اینجا حرمت به کل نماز تعلق گرفته است.

گاهی نیز حرمت تعلق میگیرد به جزئی از آن یا به شخص آن؛

اگر حرمت تعلق بگیرد به جزئی از نماز؛ اگر این جزء فاسد شد کل عبادت را فاسد میکند. اگر این جزء را من باز تکرار کنم و درست انجام بدهیم آیا آن کل درست میشود. مثلا یک جزئی را اشتباه کردم، و باز درستش میکنم. این به شرطی است که تکرار آن جزء ممکن باشد. مثلا نمیشود رکوع را دوباره انجام داد زیرا نماز را باطل میکند پس جایی تکرار جزء درست است که ممکن باشد آن تکرار.

\*- شرط دو نوع است یک شرط عبادی و یک شرط توصلی :

شرط توصلی در آن تقرب نیست. مثل سفر برای حج. این شرط البته در داخل در خود عبادت نیست و فقط عبادت مقید به آن است حالا با هر نیتی باشد.

شرط عبادی : اگر خود شرط با اینکه بیرون است خودش عبادت باشد قصد قربت در آن مطرح است. مثل وضو . زیرا صلاة مقید نیست به هر نوع شستن صورت و دست بلکه صلاة به وضویی به قصد قربت باشد.